

شمول تخلف از شرط دوازدهم سند ازدواج

مرضیه محبی

آیا اعمال وکالت زن در طلاق به دلیل تخلف از شرط دوازدهم سند ازدواج ناظر به مطلق ازدواج است یا تنها ازدواج دائم، تخلف از شرط را محقق می سازد؟

در این پرونده خانم ب، دادخواستی به خواسته طلاق، به دلیل تخلف زوج از شرط دوازدهم سند ازدواج تقدیم نموده که نخست، در شعبه پنجم دادگاه خانواده مشهد مورد رسیدگی قرار گرفت. زوج در جلسه رسیدگی، در دفاع اظهار داشت، چند ماهی با زنی ازدواج موقت نموده و مدت آن پایان یافته و از آن ماجرا سالها گذشته و شرط دوازدهم، ناظر به ازدواج دائم است.

وکیل زن، با دفاع از این نظر که شرط دوازدهم مطلق ازدواج را مطرح نموده، استدلال کرد، همان لحظه ای که مرد، با زن دیگری پیمان زناشویی بسته، زن وکیل در طلاق خود شده و این وکالت را گذر ایام زایل نمی سازد. دادگاه بدوی حکم طلاق را بر همین اساس صادر نمود. زوج تجدید نظر خواهی نمود و شعبه ۲۲ دادگاه تجدید نظر استان خراسان رضوی با این استدلال که طلاق از اختیارات مرد محسوب می شود و اجرای آن به تقاضای زن یک امر استثنایی است، که موارد آن در تبصره ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی بیان گردیده و از جمله، تخلف زوج از شرایط ضمن العقد است، به این جهت اقامه دلیل برای اثبات آن از وظایف زوج خواهد بود. و در پرونده پیش رو دلیل و مدرک موجهی که مثبت تخلف زوج از شرط ادعایی باشد ارایه نشده و چون به دلیل تفاوت هایی که بین ازدواج دائم و موقت در آثار و احکام وجود دارد، و نیز کلمات و جملات بکار برده شده در شرط دوازدهم، به نظر شرط مزبور منصرف از ازدواج موقت بوده، و ظهور در ازدواج دائم دارد،



با ازدواج موقت، تخلف از شرط ادعایی محقق نمی شود.» رای دادگاه بدوی را نقض می کند.

فرجام خواهی و کیل زن، مبتنی بر این امر بود، که شرط دوازدهم هیچ دلالتی بر تمایز انواع ازدواج نداشته و صراحتاً، اطلاق دارد، رویه قضایی دادگاه ها سال هاست بدین منوال است و ضرورت دارد که محاکم در تفسیر متون به معانی عرفی و معمول و به تلقی عموم از کلمات و عبارات، توجه نمایند و در نظرگاه‌های حقوقی و حتی عامیانه «نکاح» اعم از از دایم و موقت است و دادگاه نمی تواند مفاد یک توافق دوطرفه را که به صراحت، محدودیتی برای هر گونه ازدواج ایجاد کرده، به نفع یکی از طرفین تفسیر کند، نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۱۹۹۷ و آرای صادره از شعب دیوان عالی کشور که موید این استدلال است، تقدیم شد.

۲۰۲

شعبه شانزدهم دیوان عالی کشور، به فرجام خواهی رسیدگی نموده و چنین استدلال کرد که «زوجیت شامل هر دونوع ازدواج است، برای عقد موقت لفظ دیگری بکار برده نشده، کما اینکه در نظریه فقها اکثریت و در جامعه حقوقی نیز از باب رعایت ماده ده قانون مدنی، تفسیر مغایر لا صراحت قانونی تفسیر به رای بوده و مقبول علما حقوق نیست، پس رای فرجام خواسته منطبق با موازین قانونی و ابرام می گردد!!!»

شعبه ۲۲ دادگاه تجدید نظر طی نامه ای به دیوان یادآور می شود که بین استدلال دیوان و ابرام رای تناقض وجود دارد، شعبه شانزدهم دیوان در پاسخ، مبادرت به صدور رای اصلاحی نموده و با همان استدلال دادنامه قبلی را اصلاح دادنامه شعبه ۲۲ را نقض و به شعبه هم عرض ارجاع می نماید. سپس شعبه ۲۷ دادگاه تجدید نظر خراسان رضوی نیز، با اعلام اینکه در شرط دوازدهم نمی توان میان ازدواج دایم و موقت تمیز قایل شد و شرط به روشنی اطلاق دارد، دادنامه شعبه پنجم دادگاه خانواده مشهد را تأیید می کند.

*دادنامه صادره از شعبه ۵ دادگاه خانواده مشهد

در مورد دادخواست خانم مژگان ... با وکالت خانم ... به طرفیت آقای مصطفی ... به خواسته طلاق و کیل زوجه اظهار داشته است زوجین در سال ۱۳۷۶ با همدیگر ازدواج

کرده اند ثمره دو فرزند است که رشید می‌باشند. به لحاظ اینکه زوج ازدواج مجدد کرده است به جهت تخلف از شروط سند نکاحیه درخواست طلاق دارد زوجه در قبال طلاق مبلغ هزار تومان بذل خواهد نمود. دادگاه نظر به اصرار زوجه بر متارکه و نظر به اینکه داوران نتوانسته اند در جهت صلح و سازش اقدام نمایند و با توجه به استشهادیه پیوست و اظهارات زوج و با توجه به سایر محتویات پرونده که همگی حاکی از این است که زوج بدون اجازه زوجه ازدواج مجدد کرده است که با این اوصاف بند دوازدهم سند نکاحیه محقق و ثابت است و با استناد ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی و مواد ۲۶-۳۴ قانون حمایت خانواده عدم امکان سازش زوجین گواهی و حکم به احراز شرط اعمال و کالت در طلاق صادر و اعلام می‌گردد و زوجه می‌تواند با استفاده از وکالت تفویضی در سند نکاحیه وفق مقررات خود را مطلقه نماید و با توجه به اینکه تصمیم دارد در قبال طلاق مبلغ هزار تومان بذل نماید در صورت طلاق نوع طلاق بائن خلعی خواهد بود. زوجه برای مهریه از طریق ثبت اقدام کرده است و فرزندان در سن کبارت هستند و حضانت آنها منتفی است و جهیزیه در اختیار زوجه است.

*دادنامه صادره از شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای مصطفی به طرفیت خانم مژگان ... نسبت به رأی شماره ... صادره از شعبه ۵ دادگاه خانواده مشهد ... رأی معترض عنه فاقد ایراد شرعی و قانونی بوده و تجدیدنظرخواهی غیرموجه است و ضمن رد تجدیدنظرخواهی ... رأی مزبور تأیید و استوار می‌گردد و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل فرجام خواهی در مرجع محترم دیوان عالی کشور است.

*دادنامه صادره از شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور

نظر به اینکه با توجه به مفاد بند ۱۲ موارد ذیل شرط «ب» ضمن العقد ناظر به ازدواج مجدد به طور اطلاق بوده و در عرف و در قانون ازدواج اعم از موقت و دائم است. اینکه ازدواج موقت از شمول بند ۱۲ خروج موضوعی داشته باشد نیاز به وجود دلیل قبایل قبول دارد و منصرف از مفاد این بند است لذا رأی فرجام خواسته که منطبق با محتویات پرونده



وموازين قانونی اصدار یافته است و از لحاظ رعایت اصول و قواعد دادرسی نیز در عملکرد دادگاه نقصی که مومجب نقض آن شود مشهود نیست با رد فرجام خواهی وکیل محترم فرجام خواه مستنداً به ماده ۳۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی ابرام می گردد.